

اطلاعیه سازمان عفو بین الملل

شکرالهی لاری

ادامه شکنجه و اعدام ها در ایران

○ سازمان عفو بین الملل، نگران آن است که تعداد واقعی اعدامها در ارتباط با شورش های اخیر بسیار بالاتر از ارقام اعلام شده باشد و دستگیرشدگان این شورش ها به هنگام دستگیری در خطر آزار، شکنجه و اعدام به دنبال برگزاری دادگاههای فرمایشی قرار دارند.

۲ ص

مبارزه با "یورش فرهنگی"، یا زمینه سازی برای سرکوب کامل مطبوعات و نشریات کشور

فرهنگی انجام می دهد، يك شیخون، غارت و قتل عام فرهنگی است...". (کیهان ۲۴ تیرماه ۱۳۷۱)

مطرح شدن مسئله "مبارزه با تهاجم فرهنگی" از طرف برخی از محافل جمهوری اسلامی در ماه های اخیر، با هدف معین و ویژه ای تدارک دیده شده بود. روزنامه "کیهان"، از جمله روزنامه هایی بود که در این زمینه پیشقدم شد و در مقالات متعددی ضرورت "برخورد قاطع" با انحرافات فرهنگی را اعلام کرد. حمله به مجله "گردون"، بسته شدن مجله "فاراد"، انفجار بپ در دفتر مجله "دنیای سخن"، و سپس حمله به برخوردهای "لیبرالی" وزارت ارشاد، که به استعفاي وزیر ارشاد منجر گردید، از جمله اقداماتی بود که در این عرصه توسط محافل معینی در درون جمهوری اسلامی سازمان داده شد. برخوردهای جاد درون حاکمیت در جریان "انتخابات" مجلس چهارم و افشاگری های وسیع در نشریات مخالف و سپس بالا گیری موج اعتراضات مردمی، قیام های مردمی در مشهد، شیراز، اراک، بوکان، تبریز، بروجرد و... و انعکاس نسبتاً وسیع این اخبار در برخی روزنامه ها و نشریات کشور، سران جمهوری اسلامی را برآن داشته است تا با استفاده از این بهانه زمینه یورش وسیع به نیروهای مخالف و خصوصاً نشریاتی که در شرایط حاضر در کنترل رژیم نیستند، و افشاگری آنها فشار بر هیئت حاکمه را افزایش می دهد را تدارک ببینند. این تاکتیک جمهوری اسلامی به هنگام ریاست جمهوری بنی صدر، تحت عنوان "انقلاب فرهنگی" برای پاکسازی دانشگاه ها از "عناصر نا مطلوب" یکبار آزمایش شد و با شکست کامل مواجه گردید.

جمهوری اسلامی همانطوریکه نتوانست محیط

ادامه در ص ۲

اوضاع حاد و بحرانی در کشور همچنان ادامه یافته و هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد. نگرانی سران جمهوری اسلامی از آینده کار، در هفته های اخیر به شکل بارزتری در سخنان هاشمی رفسنجانی و سپس خامنه ای انعکاس یافت و برنامه های آتی رژیم برای مقابله با ناراضیاتی وسیع مردم را آشکارتر کرد.

هاشمی رفسنجانی در دیدار با "ائمه جمعه کشور" با نفي کامل آنچه که خود چندی پیش در نماز جمعه گفته بود، اعتراف کرد که زمینه اصلی ناراضیاتی مردم، سیاست های مخرب و دستگاه اداری فاسد جمهوری اسلامی است. وی از جمله گفت: "سخت ترین چیزی که در دستگاه های دولتی ما با آن برخورد می کنیم مسئله رشوه و اخاذی است...". وی همچنین افزود: "راجح به مسایل فرهنگی باید همه تلاشمان را بکنیم که دستاوردهای فرهنگی انقلاب از بین نرود... ما اگر جوانانمان را قانع نکنیم و ضمیر و باطن آنها را پاک نکنیم قطعاً ضرر خواهیم کرد. روزی آنها طغیان می کنند و روزی می فهمیم که چیزی دستان نیست...".

(کیهان ۱۷ تیرماه)

پس از این سخنان رفسنجانی، "ولی ققیه" نیز در پیامی که ارسال داشت، اعلام کرد جمهوری اسلامی با خطر "تهاجم فرهنگی و مظاهر آن در جامعه" بشدت مبارزه خواهد کرد. خامنه ای در سخنان هذیان واری، ضمن اعتراف به اینکه بحران اخیر حتی در درون نیروهای مسلح رژیم نیز انعکاس داشته است، از جمله گفت: "بسیجی باید در وسط میدان باشد تا فضیلتها و ارزشهای انقلاب زنده بماند... ماموران انتظامی و قضایی حق ندارند از مجرم دفاع کنند. مامورین باید از آسرو نامی شرعی دفاع کنند... کاری که دشمن از لحاظ

یادی از انقلاب

مشروطه ایران

"در چنین کوشش هایی نخستین گام، خود را فراموش کردن است".

زنده یاد احمد کسروی

انقلاب مشروطه ایران مانند بسیاری از انقلاب ها، در شرق و غرب جهان، زیر تاثیر عوامل روشننگر و انگیزنده درونی و نیز اثر بخشی محرك های مثبت و منفی از بیرون پدید آمد.

سراغاز بیداری و مرحله نخست خیزش توده مردم، که بر اثر نا آگاهی جبری و تحمیلی، بیدادگری های حکومت های خودکامه و غارتگری های درونی و بیرونی را تحمل کردند، همزمان با واگذاری امتیاز "رژمی" است. در زمان امضای امتیاز نامه انصار دخانیات (۱۳۰۸ ه. ق.) مردم ایران بر اثر روشننگری های مطبوعات و روشننگران این عصر به آگاهی هایی درباره برخی مسایل اجتماعی دست یافته بودند. و همین خود موجب شد که به مخالفت و اعتراض تا حد کسب پیروزی برخیزند. سهم نخست در این جنبش از آن مردم تبریز بود که تا پایان ایستادگی نمودند، آگاهی های کمپانی رژمی را از دیوارها کردند و نوشته های شورانگیز به جای آن چسباندند.

درباره تاثیر آگاهاننده مطبوعات در این جنبش و موج خیزش های دیگر که در پی آن به توالی می آید تا به انقلاب مشروطه انجامد، باید به سهم

ادامه در ص ۳

دین دیگر صفحات:

پیرامون اسناد سومین کنگره حزب توده ایران

ص ۴ | ۵

ماجرای جوی خطنناک در منطقه خلیج فارس

ص ۸

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

مبارزه با "یورش فرهنگی" ...

دانشگاه های کشور را در کنترل خود بگیرد، نخواهد توانست با سرکوب بیشتر و احياناً بستن برخی روزنامه ها و نشریات و بگیرد ویند ها موج رشدیابنده ناراضی مردم را متوقف سازد. تنفر، انزجار و مخالفت مردم ریشه در عوامل عینی و ذهنی دارد که پشتوانه اش سیزده سال تجربه تلخ است. روی آوردن رژیم به سرکوب بیشتر، در شرایطی که مردم از هر لحاظ در مضیقه و فشار شدید قرار دارند، بی شک اوضاع جامعه را بیش از پیش بحرانی و خطرناک خواهد کرد.

به راه انداختن گروه های سرکوب و ترور تحت عنوان گروه های "امر به معروف و نهی از منکر" و تدارک گروه های چاقو کش و قداره بند برای یورش به دفاتر روزنامه ها و نشریات در کنار دستگیری ها و احضار زندانیان سیاسی آزاد شده، بخشی از نقشه های شومی است که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی برای مردم کشور ما تدارک دیده است. هدف به قول حائری شیرازی، "امام جمعه شیراز" اینست که: "کاری می کنیم که در مرگ عزیزان خود مشقت به سینه بکوبید و بیم بیم گویان ضجه بزنید..."

مردم میهن ما سال ها است که با شیوه حکومت چنین جنایتکارانی از نزدیک آشنا شده و بهای سنگینی بابت آن پرداخته اند. سرکوب، ارباب و کشتار شیوه حکومتی رژیم جمهوری اسلامی است. حوادث اخیر نشان داد که سیاست "میانه روی" و "دوری جستن از تندروی های گذشته" که برای مدت کوتاهی توسط رژیم دنبال شد، از آنجا که با ماهیت و شیوه حکومتی رژیم قهراً شدیداً در تضاد است نمی تواند برای دراز مدت ادامه پیدا کند.

تجربه مبارزه سال های اخیر نشان داده است که جمهوری اسلامی به هیچوجه داوطلبانه حاضر به تن دادن به تغییر نیست و تنها در صورت فشار و مبارزه مردم است که تغییر و تحول در جامعه ما ممکن است. ادامه زندگی در جهنمی که رژیم برای مردم ما ایجاد کرده است هر روز برای اقشار وسیع تری غیر ممکن می شود. فشار شدید اقتصادی بر اقشار محروم، تشدید بی سابقه فقر، در کنار فشار های شدید اجتماعی، نبود امنیت و تعرض و تعدی ماموران رژیم به مردم به انواع و اقسام بهانه ها دلایل عمده اعتراضات مردم و همان کسانی که تا دیروز "مستضعف"، "کوچ نشین" و ... پشتوانه های رژیم خوانده می شدند، را تشکیل می دهد. آتش مبارزه ای که در کشور ما در حال اوج گیری است در صورتیکه درست هدایت شود و بتواند با اتکا به توده های وسیع مردم گسترده تر شود، قادر خواهد بود تا رژیم "ولایت فقیه" یعنی عمده ترین سد حرکت جامعه ما به جلو را از پیش پا بردارد.

در این عرصه ارزیابی هاشمی رفسنجانی پیرامون "طغیان جوانان کشور" و خطر جدی که جمهوری اسلامی را تهدید می کند، نادرست نیست. اما مسئله اینجاست که آیا سران رژیم جمهوری اسلامی خواهند توانست با فشار بیشتر و ارسال گروه های مسلح به خیابان ها، ناراضی مردم را خاموش کنند. تجربه های تاریخی همواره خلاف این را به اثبات رسانده است. روی آوردن حکومت های استبدادی به سرکوب بیشتر در شرایط بحران های حاد اقتصادی و اجتماعی، همواره به انفجارات عظیم تر در جامعه منجر گردیده است. دیگر دوران تاثیر پذیری "پیام ها"، "قرآمین" و تهدیدات سران رژیم جمهوری اسلامی حتی در میان امت همیشه در صحنه نیز سپری گردیده است.

اطلاعیه عفو بین الملل ...

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، روز ۱۱ ژوئن ۱۹۹۲، اعلام کرد که ۴ نفر درمشهد اعدام گردیده اند و ۵ نفر نیز به جرم شرکت در شورش های ماه قبل در شیراز به اعدام محکوم شده اند.

نام یکی از کسانی که اعدام گردیده است، مسعود غلامی اعلام شده است. به دنبال این اعدام ها، تعداد رسمی اعدام شدگان پس از شورش های شیراز، اراک و مشهد به ۸ نفر بالغ می شود. سازمان عفو بین الملل، نگران این موضوع است که تعداد واقعی اعدام شدگان خیلی بیشتر از تعداد اعلام شده باشد.

محمد کریمی، دادستان دادگاههای انقلاب اسلامی شیراز، اعلام کرد که ۴۵ نفر به خاطر شرکت در شورش شیراز به زندان (از دو ماه تا ده سال) محکوم شده اند.

رادیو تهران نیز در روز ۱۲ ژوئن اعلام نمود که ۲۹ نفر به خاطر شرکت در شورش اراک به زندان های یک سال تا ده سال محکوم شده اند، که بر اساس نظر رئیس دایره بخش مرکز در وزارت دادگستری "دادگاه ویژه در همان مواضع دادستانی اراک به طور قاطع و حاد با شرکت کنندگان در شورش برخورد خواهد کرد. افزون براین پرونده گروه دیگری نیز در این ارتباط مورد بررسی است."

براساس اطلاعات تایید نشده ای که به دست سازمان عفو بین الملل رسیده است، در آغاز ماه ژوئن تظاهرات خونینی در بوکان، آذربایجان غربی صورت گرفت که به دستگیری ۱۰۰ نفر در این شهر منجر گردید. در شهرهای دیگر از جمله برخی نقاط تهران و تبریز نیز تظاهرات مشابهی صورت گرفته است.

سازمان عفو بین الملل، نگران آن است که تعداد واقعی اعدامها در ارتباط با شورش های اخیر بسیار بالاتر از ارقام اعلام شده باشد و دستگیرشدگان این شورش ها به هنگام دستگیری در خطر آزار، شکنجه و اعدام به دنبال برگزاری دادگاههای فرمایشی قرار دارند.

سازمان عفو بین الملل

۱۵ ژوئیه ۱۹۹۲ (۲۴ تیرماه ۱۳۷۱)

بخشهایی از گزارش آقای نوتل هاریس، دبیر کل کمیته کل دفاع از حقوق مردم ایران به مناسبت سالگرد روز زندانیان سیاسی

مسئله مرگ و زندگی در ایران

اصلاحات و دموکراسی نامه ای سرگشاده به رئیس جمهور، رفسنجانی نوشته و نظرات خود را ابراز داشتند. بدلیل چنین "جنایتی" آنها دستگیر و در انزوا نگهداشته شدند و پس از تحمل کردن شکنجه های روانی و جسمی سرانجام به محاکمه کشیده شدند. محاکمه آنان سری و نداشتند، دسترسی به مدارک و شواهد نداشتند، حق فراخواندن شاهد را نداشته و مجبور بودند تا به اقترابهایی که توسط اتهام زندگان ناشناس و بی هویت زده می شد، پاسخ بدهند.

با اینکه جرم واقعی آنها هرگز روشن ادامه در ۶

اعدامهای سال گذشته در ایران به بیش از هزار نفر می رسد. گرچه همه آنان زندانیان عقیدتی نبودند ولی تعداد معدودی از آنان مورد محاکمه منصفانه ای قرار گرفتند.

در روز دهم ماه مه ۱۹۵۹، خسرو روزبه، مخالف نامدار شاه ایران اعدام گردید. اکنون پس از گذشت ۴۲ سال و پشت سر گزاردن یک انقلاب، لازم است به جهانیان یادآور شویم که دولت کنونی نیز همان روشهای خونین و نفرت انگیز را بکار می گیرد.

امسال روز زندانیان سیاسی در زمانی برگزار می گردد که این توم دامن زده شده است که سیستم قضایی کشور بدنال تصویب یک قانون جدید در مجلس درباره حقوق متهمین، مورد اصلاحاتی قرار گرفته است. شواهد گردآوری شده توسط سازمان های نظیر عفو بین الملل و سازمان ملل متحد روشن می سازد که این حقوق محترم شمرده نمی شوند.

براساس بیانیه های خود رژیم، محاکمه همه زندانیان سیاسی می بایست ملنی و متنی اعلام گردد. مع الوصف اکثریت قابل ملاحظه ای

از آنان، همچنان در زندان بسر می برند. زندانیانی که آزاد می گردند، محکوم به عمل شرایط دشواری هستند. آنها مجبورند درباره رفتاری که با آنها و دیگران شده است سکوت اختیار کنند. آنها تنها زمانی مجازند در مجامع عمومی سخن بگویند که "جنایتی" را که به آن متهم هستند تأیید و سازمانهایی را که به آنها وابستگی داشته اند محکوم نمایند.

ماهیت محاکم ایران سال گذشته در جریان محاکمه ۹ تن از اعضای "انجمن دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" در معرض دید عموم قرار گرفت. این ۹ نفر که از شخصیت های برجسته لیبرال می باشند در جریان مبارزه برای

یادی از انقلاب ...

روزنامه "اخر" اشارتی داشت که به ناگزیر در استانبول چاپ می شد.

از شمار روشنگران دوران ناصری باید از میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالبوف تبریزی و زین العابدین مراغه ای نام برد که سهم در خور ستایش آنان را در بیداری ایرانیان و جنبش های ملی و مردمی می توان با تأثیری که دائره المعارفون (انسیکلوپدیسیت) فرانسه، مانند دیدرو، دالامبر، منتسکیو، ولتر، روسو... در انگیزش انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹م.) داشتند، قیاس کرد.

اعتراض به امتیاز "رئی" سراسر ایران را فرا گرفت، و در این هنگام بود که بخشی از روحانیت که راهی جدا از نظایر شیخ فضل اله نوری، نماد بخش واپسگرایی روحانیت، برگزیده بودند، به همکاری برخاستند.

در کار روشنگری، از کسانی دیگر مانند میرزا ملکم خان ناظم الدوله و سید جمال الدین اسد آبادی نیز نام برده می شود که زنده یاد کسروی درباره آنان داوری در خور تامل دارد. او درباره میرزا ملکم خان می نویسد:

"میرزا ملکم خان نوشته هایی می دارد که همگی آگاهی و دانش او را می رساند و این بیگمانست که با خودکامی ناصرالدینشاه و خود خواهی و نادرستی امین السلطان دشمنی می نموده، و به امتیازهایی که به بیگانگان داده می شده خرده می گرفته و زبان آنها را باز می نموده، چیزی که هست ملکم از دست "فراماسونر" بوده و نوشته هایش آن رنگ را داشته است، و ما چون از اندیشه و خواست آن دسته آگاه نیستیم درباره ملکم نیز داوری نخواهیم توانست...". و در مورد سید جمال الدین چنین داوری می کند:

"... از کارهای سید جمال الدین در ایران و مصر و عثمانی نتیجه درستی بدست نیامده، و شاگردانش در گفتگو از او راه گزافه پیموده اند. سید بکار بزرگی برخاسته بوده ولی راه آن را نمی شناخته و آنگاه هیچگاه خود را فراموش نمی کرده. در چنین کوشش هایی نخستین گام، خود را فراموش کردن است. سید اگر بجای رفتن باین دربار و آن دربار همه به بیدار ساختن مردم و پیراستن اندیشه ها کوشیدی به نتیجه بهتری رسیدی...".

دولت مردانی نیز در طلیعه و نیز دوران طلوع انقلاب مشروطه به کوششی مردم گرا و مردم پسند برخاستند که باید از شمار آنان میرزا تقی خان امیر کبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و امین الدوله را نام برد که به اصلاحات اجتماعی و ایجاد نهادهایی برای آگاهانیدن مردم دست زدند.

دامنه جنبش علیه "رئی"، که نخست انگیزه و مدفی در مخالفتی این امتیاز را داشت، بر اثر نتیجه بخشی مطلوب، گسترش یافت زیرا توده مردم و نیز رهبران دریافته اند که می توان به نیروی قیام و پایداری بر استبداد غالب آمد.

آگاهی و مشارکت فزاینده مردم از سویی، و متقابلاً لجاج جاهلانته پاسدارانی از استبداد و ارتجاع مانند عین الدوله از طرف دیگر، دو عامل با تأثیرهای متقابل بودند که به فرایند گسترش جوی جنبشی که آغاز شده بود پاری رساندند.

مقارن این احوال شمار روزنامه ها، نویسندگان و گویندگان روشنگر نیز فزونتر شده بود. گذشته از روزنامه اختر، روزنامه حکمت- به مدیریت میرزا مهدی خان تبریزی- و روزنامه های

حبل آلتین، پرورش، الحدید و عدالت، در راستای مبارزه با استبداد و آگاهانیدن مردم مجاهدان می کوشیدند.

گویندگان روشنگر در آن هنگام روحانیون و واعظانی بودند مردمی- نه نامتظان و توبه فرمایان خود توبه کمتر کن- که به الفا نظام خودکامی، به رفع ستم ها و اصلاح بنیادی امور کشور خود، به دست مردم و حکومت برگزیده آنان دلبستگی می نمودند. تأکید بر سهم ترقی خواهانه آنان امروز در شرایط کنونی که این قشر از جامعه ما روی از شیوه و راه مردمی این اسلاف آزاد اندیش خود برتافته و تجربه ای فاجعه بار بر ملت بزرگ ایران تحمیل کرده، واجد کمال اهمیت است. زنده یاد کسروی درباره این ستایشگران حکومت مردمی و آزادی، از جمله میرزا حسین واعظ تبریزی، می نویسد: "... از چند ماه باز با دستور انجمن روزهای آدینه بازارها بسته می شد و مردم در سه مسجد گرد می آمدند و سه تن از

سخنگویان... به منبر می رفتند و به مردم سخن می گفتند. اینکار پیشرفت بسیاری کرد. بویژه از آن میرزا حسین که خود دستگامی گردید. این مرد با آواز رسا و گیرا شمرهای شورانگیز، از فارسی و ترکی خواندی و سخنان هناینده گفتی و دلها را به تکان آوردی. مردم به او رو آوردند و مسجد میرزا مهدی با آن بزرگی سراسر پر شدی...".

انقلاب مشروطه ایران زیر تأثیر این عوامل و در شرایطی که تضادهای اجتماعی درونی به اوج شدت خود رسیده بود، در سالهای آغازین دهه سوم سده چهاردهم (هجری قمری) به آهنگ حرکت خود به سوی پیروزی شتاب بخشید.

آنچه به عنوان عامل انگیزنده موثر و بسیار مهم، در خیزش انقلاب مشروطه، باید مورد توجه و بررسی درخور قرارگیرد روشنگری ها و راه گشایی های نظری و عملی "کمیته اجتماعیون- عامیون" است.

اندکی پیش از آغاز جنبش مشروطه خواهی در میان ایرانیان مقیم قفقاز، نریمان نریمانف به اتفاق عزیز حاجی بیگف و افندی، حزب "همت"، یکی از شاخه های حزب سوسیال دمکرات قفقاز یا "اجتماعیون - عامیون" را برپایه مرانامه سوسیال دمکرات ها، دریاکو تشکیل دادند. در این حزب، شماری از کارگران ایرانی که در تاسیسات نفت باکو کار می کردند، و عده ای از پیشه وران عضویت داشتند. نریمانف مرانامه حزب را به وسیله علی مسیون، حاجی علی دوافروش و حاجی رسول صدقیانی به فارسی ترجمه می کند و اینان سپس دسته مجاهدان را درایران تشکیل می دهند.

تاریخ گواه تأثیر مهم و راه گشای همدلی ها و همگامی های این بخش، که از نمادها و نمایندگان مهم آن باید از جلیل محمدقلی زاده، موسس روزنامه فکاهی "ملانصرالدین"، نام برد. در پیشبرد کارانقلاب است. وی و روزنامه اش در جریان پیکار با استبداد و برانگیختن روحیه انقلابی در سراسر این دوران، از آغاز انقلاب مشروطه تا پایان،



حیدرخان عمو اوغلی سازمانگر بزرگ انقلابی، از رهبران برجسته و به نام انقلاب مشروطه ایران

همواره در خدمت مردم ایران و به ویژه شهر تبریز بوده است. گواهی زنده یاد کسروی دراین باره گویا و مقنع است. وی ضمن تصریح اهمیت تأثیر روزنامه هایی که اجتماعیون - عامیون ایرانی و قفقازی منتشر می کردند، از "ملانصرالدین" به تأکید و ستایش یاد می کند. وی می نویسد: "... محمدعلی میرزا از پراکندن آن در میان مردم جلوگیری... در تبریز ملایان آن را از اوراق ضاله شماردند... و سپس بر اهمیت آن چنین تأکید می ورزد: "ملانصرالدین از روزنامه هایی است که باید یاد آن در تاریخ بماند...".

قتل اتابک و سوء قصد نافرجام به جان محمدعلی میرزا، که موجب وحشت او و اطرافیان او شد، از جمله ضربات موثری بود که تنها توان فکری و قدرت عملی اجتماعیون - عامیون می توانست بر پیکر استبداد و ارتجاع وارد آورد. احمدکسروی درباره طراح و مجری نقشه این ضربه ها، یعنی حیدرعمواغلی، که به تصریح وی "با کمیته اجتماعیون - عامیون ایرانیان قفقاز به هم پیوستگی می داشت...". می نویسد:

"این نمونه دیگری از این کارهای حیدرعمواغلی است، و می رساند که او یک شورش خواه درست و شایانی می بوده و به کارهای بزرگ می کوشیده. پس از کشتن اتابک این دومین شاهکار او می بود که اگر پیش رفتی مرآینه نتیجه های بزرگی را در پی داشتی. این جنب اگر محمدعلی میرزا را از میان برده بودی جنبش مشروطه خواهی ایران رنگ دیگری به خود گرفت...".

در این بررسی اجمالی، تاملی در همگامی بخشی از روحانیت نیز، که بر اثر درک شرایط زمان و ضرورت های گریز ناپذیر تاریخی و اجتماعی دریافته بود به جنبش یاری رساند، ضروری نماید و درباره مشارکت بازاریبان نیز لازم به تصریح است که بخشی از بورژوازی بازار، که در برابر رقابت قدرت های ذینفوذ و سیاست های حمایتگرانه آنان

پیرامون اسناد سومین کنفرانس حزب توده ایران

اساسنامه نوین حزب : دمکراسی، مرکزیت و مبارزه درون حزبی

ملاحظه کار تا سوسیال دمکرات در ساختار تشکیلاتی خود دارای ساختار مشخص مرکزی هستند، که در دوران معینی اداره امور حزب را بدست می گیرد. مرکزیت گریزی چیزی جز اعتقاد به عدم سازماندهی و آنارشیسم تشکیلاتی نیست. نکات اساسی در این بحث چگونگی تلفیق امر مرکزیت و دمکراسی، حقوق اعضا و حق اقلیت در درون ساختار حزب است.

لنن به هنگام فرمول بندی اصل مرکزیت دمکراتیک، دمکراسی درون حزبی را چنین تعریف کرد:

" همه امور حزب بطور مستقیم توسط اعضا و یا غیر مستقیم توسط نمایندگان آنان اداره می شود، همه اعضا حزب بدون استثنا از حقوق مساوی برخوردارند، به علاوه تمام مسئولان و ارگان های رهبری و همه نهاد های حزبی انتخابی و در مقابل انتخاب کنندگان خود مسئول و قابل تمویض اند."

تجربه زندگی نشان داد که این اصل در بسیاری موارد از طرف احزاب کارگری و کمونیستی که در شرایط عادی، حیات سیاسی خود را سازماندهی می کردند، اجرا نگردید و مرکزیت بوروکراتیک و دمکراسی تشریفاتی جایگزین دمکراسی واقعی گردید. این پدیده، همانطوریکه تحولات اخیر کشور های اروپای شرقی نشان داد، به ماهیت رزجوبیانه و سالم احزاب کارگری حاکم صدمات زیادی وارد آورد. رشد بروکراسی و روابط ناسالم سبب گردید که افراد نالایق و ناشایسته در این احزاب رشد کرده و مسئولیت های حساس سیاسی حکومتی را اشغال کنند. رویگردانی ناگهانی و فرصت طلبانه بخش عمده ای از اعضای رهبری این احزاب از سوسیالیسم و آرمان های زحمتکش، خود دلیل محکمی بر تایید وجود چنین روند ناسالمی است.

موضوع دیگری که پراتیک دمکراتیک در درون احزاب کارگری را محدود نمود، عدم وجود دمکراسی در بسیاری از کشورهایی بود که این احزاب در آنها فعالیت می کردند. عملکرد چنین شرایطی سبب حفظ ساختارهای رهبری برای مدت های طولانی، عمده شدن شیوه انتصاب بجای انتخاب و در مواردی پیدایش روابط ناسالم، دسته بندی ها و فراقسیون های غیر علنی در درون رهبری این احزاب گردید. انشعابات مختلف در مقاطع حساس و گسست های بی در پی بیش از هر چیز موهون عملکرد چنین شرایطی در درون این احزاب بوده و هست. بدیهی است که دشمنان سیاسی - طبقاتی این احزاب نیز از چنین پدیده ای برای پیشبرد مقاصد خود نیز بهره جسته اند.

مارکس و انگلس در نوشته های خود بر این اصل تاکید داشتند سازمانی که تنها بر مرکزیت متکی باشد و رهبری دمکراتیک را رد کند فقط بدرد انجمن های زیر زمینی و جنبش های سکتاریستی می خورد. چنین شیوه سازماندهی برای هدایت جنبش کارگری در سطح وسیع در فکر هم نمی گنجد. انگلس در این زمینه تاکید می کرد حزب طبقه

سومین کنفرانس حزب توده ایران، اساسنامه نوین حزب را پس از بحث و بررسی فراوان به تصویب رساند. از نکات گرومی مورد بحث پیرامون اساسنامه نوین، اساس و ساختار تشکیلات حزب در شرایط حاضر بود. آیا می بایستی اصل مرکزیت دمکراتیک که در طول پنجاه سال گذشته اساس تشکیلاتی حزب توده ایران را تشکیل داده است، حفظ کرد و یا می بایستی این اصل را با توجه به تحولات در جهان تغییر داد.

کنفره در این زمینه به نتیجه گیری روشنی رسید. ما همچنان معتقدیم که اصل مرکزیت دمکراتیک می بایستی اساس ساختاری حزب توده ایران را تشکیل دهد، آنچه مهم است چگونگی تعبیر، تفسیر و به اجرا درآوردن این اصل است.

ما و مرکزیت دمکراتیک

بحث پیرامون ساختار احزاب کارگری و کمونیستی از ابتدای پیدایش مارکسیسم، به مثابه یک مقوله عمده مورد بررسی نظریه پردازان و دانشمندان علوم اجتماعی و متفکران احزاب مختلف کارگری، کمونیستی بوده است.

اگر چه مارکس و انگلس به شکل مشخص و تدوین شده ای اصول ساختاری برای احزاب کارگری تعیین نکردند و لذا در نوشته های آنان اشاره ای به اصل مرکزیت دمکراتیک دیده نمی شود، و این نظریه بعد ها توسط لنن به شکل امروزی آن فرمول بندی گردید، ولی مارکس و انگلس به ضرورت سازماندهی مشخص حزب و یا سازمان طبقه کارگر اعتقاد عمیق داشتند که در آثار آنها موجود است و ما بعداً به آن اشاره خواهیم کرد.

گرومی از مارکسیست ها معتقد بوده و هستند که لنن با تنظیم و اجرای اصل مرکزیت دمکراتیک، که بعدها مورد استفاده اکثریت احزاب کارگری و کمونیستی قرار گرفت، امکان پیدایش روابط دمکراتیک در درون این احزاب را از بین برد. بنظر این گروه عملکرد استالین و عملکرد دیکتاتور منشاء در درون تعدادی از احزاب کارگری و کمونیستی، نشان می دهد که اصل مرکزیت دمکراتیک، در عمل چیزی جز مرکزیت مطلق و یا در بهترین حالت، مرکزیت بوروکراتیک نبوده و نیست.

بنظر ما نمی توان با اتکا به اشکالاتی که در پراتیک پیاده شدن یک نظریه پدید می آید، کل آن نظریه را نادرست و غیر علمی دانست. چنین برخوردی با روش و متدولوژی برخورد صحیح با پدیده ها در تضاد است.

وجود اصل مرکزیت در احزاب، بر خلاف نظر بالا، منحصر به احزاب کارگری و کمونیستی نیست، تمامی احزاب سیاسی در جهان از

قول مارکس می بایستی "به حزب نیرو ببخشد" آلوده کرده و تشکیلات حزب را به دسته بندی های ناسالم و غیر اصولی سوق می دهد.

تجربه سال های اخیر در درون حزب ما و سایر احزاب کارگری و کمونیستی نشان داده است که ایجاد فراکسیون نه تنها نتوانسته است به مشکلات در درون حزب کوچکترین کمکی بکند، بلکه به تشدید آنها نیز منجر گردیده است. ایجاد فراکسیون که به مفهوم ایجاد سازمان جدا در درون تشکیلات واحد حزب است از عمده ترین دلایل پدید آمدن جو بدبینی، پیدایش مراکز مختلف "رهبری" و در انتها بی عملی سازمان حزبی است.

عملکرد دمکراتیک تشکیلاتی، احترام به نظر مخالف و دوری از جزم اندیشی و مطلق گرایی و اعتقاد به عدم انحصار حقیقت از ضروریات مهم و جدایی ناپذیر حفظ و گسترش يك سازمان پویانده و بالنده است. تخطی از این اصول به هریک از دست آویزی، دست آوردی جز انشقاق، چند دستگی و در انتها تضعیف مجموعه حزب نداشتن و نخواهد داشت.

حزب توده ایران به پراتیک دمکراتیک عمیقاً اعتقاد دارد و از این رو در تلاش است که حتی در دشوارترین شرایط که ترور و اختناق پلیسی امکان پیاده کردن دمکراسی، خصوصاً در بخش های وسیعی از سازمان که در مقابل رو در رو با ارگان های سرکوبگر قرار دارد را محدود می کند، به شکلی پویا و خلاق راه های نوینی را برای اجرای این امر جستجو کند. مبارزه در شرایط دشوار ترور و اختناق و چگونگی حفظ سلامت و امنیت تشکیلات امری است که با جان و زندگی انسان ها و مبارزان ارتباط تنگاتنگ دارد و از این رو نمی توان به هیچوجه با ساده نگری و سهل انگاری به آن برخورد کرد.

حزب ما در طی این سال ها به تجربه دریافته است که اصل عدم تمرکز تشکیلاتی و کوچک کردن سازمان پایه و عدم ایجاد تماس های وسیع در درون این سازمان ها مطمئن ترین راه برای حفظ ادامه کاری مبارزه و دفاع از مبارزان انقلابی در مقابل یورش پلیس است. اذآنکه چنین شرایطی تا هنگامیکه دمکراسی به کشور باز نگردیده است، شرایط پیاده کردن اصول دمکراتیک در درون سازمان مخفی را بسیار مشکل و پایه کار را بر اساس اعتماد مطلق و دوجانبه استوار می سازد. تجربه موفق نظر خواهی سیاسی- تشکیلاتی از سازمان مخفی پیرامون مهم ترین عرصه های زندگی حزبی و تاثیر این نظرات بر حیات حزب از عملکرد های مثبتی است که در سال های اخیر تجربه شده و می بایستی در آینده گسترش یابد.

تجربه های موفق حزب در سازماندهی کار در شرایط اختناق، از جمله ایجاد و حفظ سازمان نوید و بازسازی تشکیلات پس از یورش جمهوری اسلامی از نمونه هایی است که می تواند راهنمای عمل ما در شرایط فعلی در درون کشور باشد.

دمکراسی در درون حزب ناشی از وظیفه ای است که تاریخ بر عهده احزاب کارگری - کمونیستی قرار داده است. این وظیفه عبارت است از سازماندهی متحد زحمتکشان و طبقه کارگر برای مبارزه علیه بی عدالتی و استثمار و برای پیروزی عدالت اجتماعی و آزادی در جامعه. اجرای این وظیفه سترگ و بسیار پیچیده تنها از عهده يك حزب پرتوان و بطور همگیر رشد یابنده که صفوف آن انسجام، و سازماندهی تشکیلاتی اش در تلفیق دائمی با دمکراسی و فعالیت خلاق اعضا قرار دارد، بر می آید.

نقش مردم در پیشرفت جوامع اساس علمی و اثبات شده اصل دمکراسی درون حزبی را تشکیل می دهد. این امر به معنای ضرورت بازتاب کامل و همه جانبه تجربه جمعی و خرد توده ها در سیاست و پراتیک حزب است.

سومین کنگره حزب توده ایران در راه گسترش دمکراسی درون حزبی و ایجاد يك سازمان متحد و یکپارچه و منظم تصمیمات بسیار مهمی را اتخاذ کرد. بازتاب روشن این تصمیمات در درون اسانامه نوین حزب، کیفیت زندگی و مبارزه درون حزبی را بی شک ارتقا خواهد داد و راه را برای تشدید مبارزه متحد و متمرکز برای آزادی هموار خواهد کرد.

کارگر باید شایستگی وظایفی را که به عهده می گیرد داشته باشد. این حزب باید بتواند توده ها را رهبری کند و از هرچیز که بوی دیکتاتوری می دهد، بپرهیزد.

هنر سازماندهی دقیق و علمی تلفیق امر دمکراسی با مرکزیت در دشوارترین شرایط و به عمل در آوردن اراده اعضای حزب است. اسانامه نوین حزب مصوب کنگره سوم به روشنی اعلام می دارد: "از اصل مرکزیت دمکراتیک با تکیه بر دمکراسی و تبعیت بی چون و چرا از شناسایی حاکمیت عضو حزب، تبعیت می کند.

و چرا از شناسایی حاکمیت عضو حزب، تبعیت می کند. معتقد است که سرنوشت حزب فقط با اراده جمعی اعضای حزب باید تعیین گردد و این اصل تغییر ناپذیر است.

پایه و بنیاد فعالیت حزب در کلیه عرصه ها را مصوبات اکثریت در عالی ترین ارگان های حزب می داند. ساختار دمکراتیک حزب به معنای تضمین شکل گیری نظرات و اراده از پایین به بالا، خصلت دمکراتیک این اصل را تشکیل داده و منافع مجموعه حزب را با منافع اعضای آن انطباق می دهد، و بدینسان دو عامل عمده تحکیم حاکمیت عضو حزب و انضباط آگاهانه را که لازم و ملزوم یکدیگرند تامین می کند.

بنظر ما قرار دادن اصول مرکزیت و دمکراسی در مقابل یکدیگر نمی تواند برخورد صحیح و درستی باشد. چنین تفکیکی، از یکسو می تواند به مرکزیت افراطی منجر شده و حزب را به يك سازمان بوروکراتیک و سکتاریست تبدیل کند که اعضای آن بصورت مامورینی ساده که وجه تمایز آنها از یکدیگر فقط مقام آنهاست عمل کنند و از سوی دیگر، این تفکیک می تواند حزب را به نوعی کلوب بحث مبدل سازد که اعضا آن به بحث و تملق روی انواع مسایل می پردازند بدون آنکه اراده واحدی آنها را به یکدیگر پیوند داده و در جهت عمل سازمان یافته و متحد به حرکت در آورد.

دفاع از حق اقلیت در درون حزب

مسئله دفاع از حقوق اقلیت در درون حزب و ایجاد امکان بازتاب نظریات اقلیت از موضوعات کلیدی و مهم مورد بحث در درون احزاب کارگری و کمونیستی بوده و هست. عملکرد استالینی در این عرصه بر اساس اصل "هر کس با ما نیست بر ماست" ضربات جدی و اساسی بر پیکر احزاب کارگری و کمونیستی وارد آورد. "پاکسازی" صفوف حزب، خصوصاً رهبری احزاب، که در بسیاری مقاطع بر اساس چنین درکی چه از چپ و چه از راست صورت گرفت، حداقل موجب از دست رفتن گروهی از کادرهای برجسته و ارزنده جنبش کمونیستی شد. چنین درکی از اداره حزب اصولاً جایی برای اقلیت در درون حزب، خصوصاً در درون رهبری آن قائل نیست. واضح است که این اصل با مرکزیت دمکراتیک در تضاد کامل قرار دارد. ایجاد امکان برای آنکه اقلیت بتواند تفکرات خود را در سطح حزب انتشار داده و آزادانه از آنها دفاع کند از بدیهی ترین حقوق حزبی است. مترادف کردن وجود نظر اقلیت و مسئله فراکسیونیسیم و اساس "ضرورت حفظ وحدت حزب" به هر قیمتی اجازه انتشار نظرات اقلیت در درون حزب را عملاً نفی می کرد.

اسانامه نوین حزب برای رفع چنین کمبود هایی است که چارچوب زیر را تعیین می کند:

"دمکراسی درون حزبی را علاوه بر آزادی امکان اظهار نظر فردی، در شکل اظهار نظر جمعی مرکب از عده ای از رفقای همفکر در يك ارگان نیز می داند. در اینگونه مواقع اعضای دارای پیشنهاد های واحد می توانند نظرات خود را در شکل کارپایه تنظیم نمایند. این کارپایه ها فقط به منظور ارائه به کنفرانس های محلی، پلنوم های کمیته مرکزی و یا کنگره حزب تهیه می گردند. تمام کارپایه ها باید مورد بحث قرار گیرند."

بر اساس عملکرد چنین ساختاری، اقلیت می تواند اندیشه های خود را برای انتشار در درون حزب فرمول بندی کرده و در اختیار نشست های حزبی قرار دهد.

بدیهی است که حزب ما مخالف اصل ایجاد فراکسیون در درون سازمان حزب است. ایجاد فراکسیون فضای مبارزه درون حزب را که به

فاجعه محیط زیست در ایران

برگزاری کنفرانس جهانی محیط زیست در برزیل، یکی از مهمترین تجمع های بین المللی بود که در آن سران کشور های مختلف گرد هم آمدند تا برای جلوگیری از خطر نابودی سیاره ما و حفظ محیط زیست چاره ای اندیشند.

مسئله حفظ محیط زیست و خطر جدی که بشریت را پدیده نابودی تدریجی محیط زیست تهدید می کند، از موضوعاتی هستند که در سال های اخیر به یکی از عمده ترین معضلات همه بشری تبدیل گردیده است. نابودی پوسته حفاظتی کره زمین (Ozon Layer)، پدیده "گرم شدن جهان" (Global warming)، نابودی وسیع جنگل ها در آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا و سایر نقاط جهان، نابودی حیوانات وحشی، در کنار تشدید آلودگی شدید هوا در شهرهای بزرگ، از مسایل عمده ای بودند که در این کنفرانس جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و در برخی عرصه ها علیرغم مخالفت های جدی آمریکا، برخی کشور های اروپایی و شرکت های بزرگ فراملیتی، که کوچکترین علاقه ای به حفظ محیط زیست در مقابل دستیابی به سود های کلان ندارند، توافق های مهمی صورت گرفت.

سرمایه گذاری جهانی برای حفظ جنگل ها و حیوانات ساکن آنها در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا در کنار قرارداد مهم "حفظ چنگانگی محیط زیست" (Bio-Diversity Treaty) بی شک گام مهمی در مبارزه برای حفظ جهانی است که در آن زیست می کنیم. رشد روزافزون آگاهی مردم در سرتاسر جهان و مبارزه برای حفظ محیط زیست چنان نیروی عظیمی در جهان پدید آورده است، که دولت های بزرگ را وادار به عکس العمل و در برخی موارد پذیرش اصولی کرده است که در مجموع در تضاد جدی با منافع سرمایه داری قرار دارد.

کشور ما ایران، در سایه حکومت جمهوری اسلامی، از جمله کشورهایی است که در زمینه مسئله حفظ محیط زیست، دارای پرونده بسیار سیاهی است. در طی سیزده سال حکومت جمهوری اسلامی نه تنها گام مثبتی پیرامون حفظ محیط زیست برداشته نشده، بلکه به دنبال سیاست های فاجعه بار حکومت روند تخریب محیط زیست با سرعت فوق العاده خطرناکی در جریان است.

می شوند. بر این اساس، سالانه معادل ۶۰۰ هزار هکتار از بهترین اراضی کشت و مرتعی کشور غیر قابل استفاده می شوند.

این روند شدید تخریبی در عین حال به معنی آن است که در مقابل بلایای طبیعی مانند، سیل بی دفاع می ماند. اگر تا ۱۵ سال پیش بر اثر بارندگی طولانی در شمال کشور سیل جاری نمی شد، اکنون بخاطر نابودی وسیع جنگل ها بلافاصله پس از بارندگی های ۳۰ - ۴۰ ساعته سیلاب جاری می شود. سیلاب هایی که در سال های اخیر در شمال کشور جاری شده است خسارات های بسیاری به کشاورزی وارد آورده است. ابعاد این خسارات ها در سایر نقاط کشور بسیار چشمگیرتر است. به عنوان نمونه سیل سال ۱۳۶۹ تنها در شهرستان زابل واقع در استان سیستان و بلوچستان حدود ۴۰ میلیارد تومان خسارات وارد آورد.

کوتاه سخن، روند تخریب محیط زیست در کشور ما با شتاب بسیار نگران کننده ای در جریان است. عدم توجه دولت جمهوری اسلامی در کنار یورش غیر مسئولانه سرمایه داران محلی برای کوییدن و نابودی جنگل ها و تبدیل آنها به زمین های قابل فروش کابوس وحشتناکی است که خطرات جدی برای نسل کنونی و نسل های آینده کشور ما در بر خواهد داشت. عقب ماندگی اجتماعی کشور نیز سبب شده است، که آگاهی پیرامون مسئله ضرورت حفظ محیط زیست، نتواند نفوذ زیادی در میان توده های وسیع مردم کشورمان داشته باشد. مبارزه در راه گسترش سطح آگاهی اهمیت حفظ محیط زیست، در کنار مبارزه با سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی در این عرصه از وظایفی است که در شرایط کنونی عمدتاً بر دوش روشنفکران کشور سنگینی می کند.

آلودگی فوق العاده شدید هوای شهرها، روند نابودی جنگل ها و پیشروی کویر، از جمله مسایلی است که خطرات جدی برای حفظ محیط زیست در کشور ما ایجاد کرده است. آلودگی هوای تهران که پس از مکزیکو سیتی، بدترین در سطح جهان است و عدم توجه جدی به فضای سبز در شهر ها، زندگی را در شهرهای کشور بسیار دشوار کرده است.

روند تخریب جنگل های کشور در طی سال های متمادی از جمله مشکلات جدی دیگری است که کشور ما را تهدید می کند. براساس آمار رسمی، جنگل ها و مراتع کشور در طی سه دهه اخیر روند تخریبی بسیار سریعی را طی کرده اند. سطح جنگل های کشور از ۱۸ میلیون هکتار به حدود ۱۲ میلیون هکتار و سطح مراتع کشور از ۱۲۶ میلیون هکتار به حدود ۵۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۹ کاهش یافته است.

در کنار این روند تخریبی وسیع، آمار نشان می دهد که سطح کل جنگل کاری انجام شده از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۶۶ جمعاً فقط ۱۱۵ هزار هکتار بوده است و این در حالی است که سالانه سطحی معادل ۳۱۰ هزار هکتار از جنگل های کشور تخریب و نابود می شوند. بر اثر این روند تخریب سطح کویر های کشور با سرعت زیادی افزایش می یابد، بطوریکه در هر ثانیه ۳۰۰ متر مربع بر سطح کویر های کشور افزوده می شود. اگر به این آمار، تخریب و فرسایش خاک های کشور که در بیست سال گذشته حدود ۱۱۰ میلیون هکتار بوده است را اضافه کنیم، فاجعه محیط زیست در کشور ما روشن تر می گردد.

مسئله تخریب و فرسایش خاک های کشور بدین معنا است که بخش بزرگی از مراتع و زمین های کشاورزی برای همیشه از دسترس خارج

مسئله مرگ و زندگی ...

نگریدید، ولیکن این ۹ نفر به مدت زندانهای تا سه سال و سی ضربه شلاق محکوم شدند. اعمالی از این قبیل و خودداری از ابطال فتوی بر علیه سلمان رشدی می باید بعنوان يك یادآور ماهیت واقعی رژیم ایران عمل نماید. ولیکن علیرغم شواهد، از بیانیه های صادر شده توسط سیاستمداران و دیگر اظهار نظر کنندگان غربی چنین برمی آید که ایران امروز نسبت به گذشته

آزادتر و رژیم آن نسبت به سابق منعطف تر از آنست که تصور می شود. از یکسو این نظرات نشاتگر گجی به آنچه که در ایران می گذرد است و از سوی دیگر می تواند به دلیل منافع شخصی باشد. ایران يك فرصت طلایی برای سرمایه گذاری و تجارت محسوب می گردد. برای نیروهای دمکرات موضوع واضح و روشن است؛ مردم ایران مستحق همان حقوقی هستند که دیگران از آن بهره مند هستند. به همین دلیل نیز کارگران ایرانی و گروههای تحت ستم دیگر به قیمت به مخاطره انداختن زندگیشان با

به نقل از
روزنامه مورینیک استار
مورخ ۱۱ ماه مه ۱۹۹۲

یابی از انقلاب ...

نسبت به وابستگانشان پایکامی مستقل می‌جست، به انقلاب پیوست. طبقات و قشرهای دمکراتیک مردم در سراسر کشور انجمن‌هایی تشکیل دادند، در ارگان‌های دولتی و در امر تعیین قیمت نان به اعمال نظارت پرداختند و نهادهایی روشنگر مانند کتابخانه، قرائت‌خانه و مدرسه تأسیس کردند.

از جمله عوامل انگیزنده انقلاب، نمودهای مثبت و منفی محرك‌های بیرونی در خور بررسی و تذکار است. مداخلات نواستعماری غارتگرانه و سیاست‌های ناقص استقلال، که از سوی دولت‌های ذی‌نفع یا جویای نفوذ در ایران اعمال می‌شد، همان نمود منفی و از عوامل موثر در این انقلاب بود. از شمار عوامل موثر مثبت باید از مشارکت و یاری نظری و عملی سوسیال‌دمکرات‌های روسیه یاد کرد. این تاثیر در حدی بود که سازمان‌های مخفی مجاهدان در شهرها و نواحی شمالی ایران شباهت‌هایی با سازمان‌های سوسیال‌دمکرات‌ها داشتند و متشکل از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و خرده‌مالکان بودند. کتاب "تبریز مه آلود" (دومانلی تبریز)، نوشته محمد سعید اردویادی (از سوسیال‌دمکرات‌های قفقاز) از جمله اسنادی است که حکایت از این یاری و تاثیر معین آن دارد.

انقلاب مشروطه ایران در این قلمرو، آنجا که جنبش، گرایش چپ و دمکراتیک داشت، گردان و فساد ناپذیری را مانند ستارخان به رهبری برگزید که قاطعیت و انصراف ناپذیری انقلابی‌اش از مردم دوستی زرف‌ریشه و نیرو می‌گرفت.

انقلاب مشروطه ایران پیروزی‌هایی به دست آورد لیکن گرایش ترقیخواه و دمکراتیک آن به هدف مطلوب دست نیافت، زیرا مراکز قدرت و نیز محافل واپسگرای همگام با انقلاب، امتیازهایی قانونی به سود خود در متمم قانون اساسی گنجانده که با اصول معین مردم‌سالاری مطلوب نیروهای انقلابی آرمان‌گرا متعارض بود.

مقررات انتخاباتی برخاسته از انقلاب، نیمی ذی‌حق و فعال از جمعیت ایران، یعنی زنان، را از حق شرکت در انتخابات محروم کرد و این از نتایج اعمال نفوذ محافل واپسگرا بود. متمم قانون اساسی حقوقی به شاه اعطا نمود که، چنانکه تجربه دوران هفتاد ساله پس از این تاریخ نشان داد، نه به سود نظام مردم‌سالاری مطلوب بود و نه به نفع محافلی که به گمان جاودانگی بخشیدن به حاکمیت خویش حتی بدان حد از امتیازها نیز بنشینده نگردند و دست به دخل و تصرف‌هایی دیگر زدند.

در پایان این سخن نکته‌ای دیگر نباید ناگفته ماند و آن این است که در همه انقلاب‌های اجتماعی تا روزگار ما، از جمله انقلاب مشروطه در آن زمان، این انگیزه - با توجه به خصایص عموم بشری - تا حدودی قابل توجیه و اغماض تواند بود که هر طبقه یا قشری در انقلاب منافع ویژه خود را جست و جو می‌کند، لیکن این تلقی هنگامی توجیه و اغماض ناپذیر است که تا مرز خیانت به منافع اکثریت مردم و جامعه - و به سود گرایش‌های جاه‌طلبانه یا سکناریستی اقلیت و جماصی معدود - گسترش یابد.

سختی پیرامون تحولات ...

شده و دو سال بعد به‌مراه بن‌بلا و دو تن دیگر از هم‌زمان خود به اسارت نیروهای فرانسوی درآمد. در اولین دولت پس از استقلال به سمت معاون نخست‌وزیر برگمارده شد ولیکن دیری نپایید که در مخالفت با احمد بن‌بلا از سمت خود در دولت و نیز در هیئت سیاسی جبهه آزادیبخش ملی که قدرت را بدست گرفته بود استعفا نمود. در سال ۱۹۶۶ بعد از پنج ماه زندانی شدن به جرم توطئه بر علیه دولت و متعاقب یک اعتصاب غذای طولانی، به مراکش تبعید شد. بازگشت بوضیاف و حضور در شورای عالی دولت و رهبری شورای پنج‌نفره بعنوان رئیس‌جمهور و سخنرانی‌های اولیه او پیرامون پایان دادن به وضع ناپسامان اقتصادی الجزایر و بهبود زندگی مردم پدید آوردن یک سیستم اداری لایق و غیر فاسد، خوش بینی‌هایی را برای نجات کشور از وضع بحرانی دامن زده بود. در اوان انتخابات آذر ماه الجزایر که یک صادرکننده مهم نفت و گاز می‌باشد، بیش از یکسال بود که با یک بحران اقتصادی محصول سقوط درآمد نفت و بالای رفتن تورم جام گسیخته دست و پنجه میزد. بیکاری وسیع، کمبود حاد مسکن، رکود اقتصادی و عملکرد بوروکراتیک دستگاه اداری که حزب جبهه آزادیبخش ملی قادر به کنترل آن نگردیده بود به ایجاد نارضایتی وسیع در میان مردم منجر شد که بنیادگرایان اسلامی از آن بهره‌جستند. در واقع رای وسیع مردم الجزایر برای کاندیداهای حزب نجات اسلامی قبل از اینکه نمایشگر حمایت از شمارهای پوشیده در ابهام و کوش و قوس دار جبهه باشد، انعکاس سرخوردگی و اعتراض توده‌های مردم به نارسایی‌های عملکرد دولت جبهه آزادیبخش ملی بود.

بسیاری از نیروهای سیاسی الجزایر براین باور بودند که ابطال انتخابات می‌توانست از اینکه بحران کشور به فاجعه حاکمیت بنیادگرایان اسلامی، که هم سیاست‌های آنان و هم شیوه‌های کسب رای اکثریت آنان زیر علامت سوال‌های واقعی بود، بیانجامد، جلوگیری کند. ابطال انتخابات در کنار قدم‌های سوال‌انگیز دیگری در ممنوعیت جبهه نجات اسلامی در ماه اسفند ۷۰ و بدنبال آن دستگیری رهبران اصلی جبهه، در حالیکه نیروهای ترقی‌خواه الجزایر و منطقه تنها راه منزوی کردن بنیادگرایان اسلامی را اصلاحات اقتصادی، بهبود زندگی مردم و گسترش دمکراسی بنیادی می‌دانستند، در کنار ائتلاف نظامیان و سیاسیون حاکم و برخوردار خشن و سرکوب‌هواداران جنبش اسلامی عملاً توجیه‌گر زیر زمینی شدن و آغاز عملیات مسلحانه از طرف "جبهه نجات اسلامی" گردید. در ماه فروردین امسال "جبهه نجات..." اعلام کرد که زمان "جایگزین کردن کلمات با تفنگ" فرارسیده

است.

زندانی کردن ده هزار تن از طرفداران جبهه نجات اسلامی در شرایط طاقت‌فرسا و جهنمی اردوگاه‌های مخصوص در صحرای جنوبی که با هدف فلج کردن جبهه انجام شده بود در عمل به عامل موثری برای سربازگیری مسلمانان افراطی در میان خانواده‌ها و وابستگان این زندانیان بدل گردید.

بوضیاف در عملی کردن مهمترین عنصر برنامه اعلام شده خود یعنی احیاء اقتصادی الجزایر شکست خورد. بعد از گذشت نزدیک به شش ماه از زمامداری او شواهد ناچیزی از برنامه‌ها و وعده‌های او پیرامون ایجاد هزاران کار جدید، ساختن خانه و به عدالت سپردن مقامات رسمی‌ای که متهم به فساد و اختلاس مالی بودند، وجود داشت و در مقابل مردم الجزایر مجبور به تحمل قطع سوسید مواد غذایی که منجر به صعود جهشی قیمت مواد غذایی مورد نیاز گردیدند.

در واقع دولت بوضیاف نتوانست هیچ اقدام اساسی برای بهبود وضع بیکاران و جوانان ناراضی و سرخورده که مهمترین پایگاه اجتماعی بنیادگرایان اسلامی "جبهه نجات..." هستند، بردارد.

در هفته‌های قبل از مرگش، بوضیاف تلاش‌هایی در وسعت بخشیدن به پایگاه سیاسی رژیم با اعلام پایه‌گذاری یک "مجمع سراسری میهن پرستان" که در برگزیده همه نیروهای سیاسی الجزایر به استثنای "جبهه نجات اسلامی" باشد، آغاز کرده بود ولیکن اخبار حاکی از این است که اکثر این نیروها از پیوستن به این ابتکار بوضیاف سرباز زدند. بزرگترین حزب غیر مذهبی الجزایر، "جبهه نیروهای سوسیالیستی" به رهبری حسین آیت احمد نیز در ماه‌های اخیر بدلیل سرکوب دمکراسی در کشور به جبهه منتقدان رژیم بوضیاف پیوسته بود.

اینکه چه کسی جانشین محمد بوضیاف می‌شود هنوز مشخص نیست. برطبق قوانینی که بعد از ابطال انتخابات تصویب شد رهبر آینده کشور باید از میان اعضای باقیمانده شورای عالی دولت، دو رهبر نظامی و دو سیاستمدار چپگرا از اعضای عالی‌رتبه جبهه آزادیبخش ملی، باشد. آنچه که مشخص است اینست که هر چه نقش نظامیان در رهبری آینده الجزایر پر رنگ تر باشد به همان نسبت احتمال توفیق نیروهای افراطی اسلامی و حامیان ارتجاعی شان در منطقه، از جمله رژیم جمهوری اسلامی در تعمیق بحران کشور و فشار بین‌المللی در جهت حصول نتایجی بر علیه منافع دراز مدت مردم الجزایر بیشتر می‌باشد.

تورور بوضیاف بی‌شک هیچ گرهی از مشکلات انبوه اجتماعی - اقتصادی الجزایر نخواهد گشود، بلکه بعنوان عامل مشوق دیگری برای نیروهای افراطی و بنیادگرای اسلامی در خاور میانه عمل خواهد کرد.

اوضاع الجزایر و روند تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور بار دیگر این سوال اساسی را در اذهان نیروهای ترقی‌خواه کشورهای جهان سوم مطرح کرده است که از طریق چه راه رشدی توسعه متناسب، یا ثبات و مردم‌مکراسی این جوامع ممکن خواهد بود.

تصحیح و پوزش

در شماره قبل "نامه مردم" (۲۸۰)، از انتهای مقاله "به مناسبت دومین سالگرد وحدت دوین" جمله (مجله) "آلام" شماره ۷ ماه مه ۱۹۹۲ به قلم عزیز محمود، رهبر جبهه آزادیبخش بحرین، به هنگام صفحه بندی از قلم افتاد، که بدین وسیله تصحیح می‌شود.

خطر ماجراجویی جدید نظامی در منطقه خلیج فارس

بار دیگر خطر درگیری نظامی، منطقه خلیج فارس را تهدید می کند. هنوز مدت زیادی از کشتار هزاران انسان بی گناه و نابودی منابع عظیم اقتصادی در کشورهای خلیج فارس نگذشته، که بار دیگر مردم منطقه می روند تا قربانی سیاست های جنایتکارانه و ضد انسانی سیاستمدارانی شوند که اهدافشان از این ماجراجویی تازه کوچکترین قربانی با خواست ها و آرمان های آزادی خواهانه و صلح دوستانه مردم منطقه ندارد.

از یکسو دولت جنایتکار صدام حسین، با جلوگیری از ورود بازرسان سازمان ملل متحد به وزارت کشاورزی این کشور به تحریک کشورهای غربی و خصوصاً آمریکا پرداخته است، و از سوی دیگر دولت بوش که در عرصه سیاست داخلی با مشکلات بسیاری روبرو است خود را آماده زور آزمایی نوین نظامی در منطقه می کند.

جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا در سخنانی که در مانیل، پایتخت فیلیپین ایراد کرد، اعلام نمود "جرج بوش هیچ امکانی را نفی نکرده است. استفاده از برخی نیروی نظامی احتیاج به تایید سازمان ملل متحد ندارد..."

به عبارت دیگر دولت آمریکا یک تنه تصمیم خواهد گرفت که در منطقه چگونه عمل کند. مصادف بودن همگی این تحولات با آغاز کارزار انتخاباتی در آمریکا و وضعیت دشوار بوش در این عرصه، ماهیت اهداف دولت آمریکا در این زمینه را روشن می سازد.

علیرغم موافقت دولت عراق با ورود بازرسان سازمان ملل متحد به وزارت کشاورزی این کشور، دولت آمریکا اعلام نمود که با ارسال یک ناو هواپیمابر به منطقه و ارسال موشک های ضد هوایی پاتریوت به کویت، حضور نظامی خود را در منطقه تقویت می کند. برخی از سخنگویان دولت آمریکا نیز اعلام کردند که علیرغم عقب نشینی دولت عراق، نمی توان امکان دخالت نظامی در عراق را نفی کرد.

وضعیت خطرناک کنونی که می تواند منطقه را یار دیگر در آتش جنگ شعله ور سازد، وظایف بسیار حساس و دشواری را پیش روی نیروهای مترقی منطقه می گذارد. مبارزه در راه دستیابی به یک راه حل صلح آمیز از طریق مداخله سازمان ملل متحد تنها راه حل بحران کنونی است.

سخنی پیرامون تحولات اخیر در الجزایر

ترور محمد بوضیاف، رئیس جمهور الجزایر در روز ۹ تیر ماه جاری اوضاع آشفته کشور را که در یکساله اخیر دستخوش تحولات غیر منتظره ای بوده است را به بحرانی عمیق فرو برد. در مورد هویت مسببان سوء قصد و دلایل آنان برای قتل بوضیاف که در حین سخنرانی در مراسم بازگشایی مرکز هنری و فرهنگی شهر انبیه در شرق الجزایر به خون غلظید اظهار نظرهای متفاوتی شده است، ولیکن همه آنان در اینکه این ترور ریشه در رخداد های آذر ماه و دی ماه گذشته الجزایر دارد متفق القولند. در دی ماه ۱۳۷۱ دور دوم انتخابات مجلس الجزایر در حالیکه نیروهای اسلامی به موقتیت های چشمگیری دست یافته بودند باطل اعلام گردید. بوضیاف در دیماه پس از ابطال انتخابات و استعفا شاذلی بن جدید پس از ۲۷ سال زندگی در تبعید به الجزایر بازگشت. محافل ملی کشور امیدوار بودند که او با تکیه بر چهره ملی، طرفدار دمکراسی و مخالف سیاست های "انحصار طلبانه" جبهه آزادیبخش ملی، بتواند بر بحران فزاینده جامعه غلبه کرده و ابتکار عمل را از نیروهای جبهه نجات اسلامی بگیرند.

بوضیاف یکی از قهرمانان جنگ آزادیبخش مردم الجزایر بر علیه استعمارگران فرانسوی بود. او در سال ۱۹۵۴ به عضویت شورای ۲۲ نفره رهبری جبهه آزادیبخش ملی برگزیده

ادامه در ص ۷

کمک مالی رسید:
دنيا ۵۰ مارک

۴۰ میلیون آفریقایی در خطر مرگ!

بنا به گزارش "سازمان جهانی تغذیه" (فائو) وابسته به سازمان ملل که در "ناپروبی" منتشر شده است امسال گرسنگی جان ۴۰ میلیون آفریقایی را تهدید می کند. در این گزارش که برای سازمان ملل متحد تهیه شده است، از عوامل متعددی چون خشکسالی ممتد، جنگهای داخلی در مناطق این قاره و رقابت کشورهای اروپای شرقی بر سر دریافت کمکهای نقدی و جنسی از کشورهای اروپایی که هر ساله مقداری مواد غذایی به کشورهای آفریقایی می رساندند، نام برده شده است.

هم اینک بخشی از این کمکها از جانب کشورهای غربی به اروپای شرقی فرستاده می شود.

گرسنگی در مکزیک هر روز ۵۰۰ کودک را شکار می کند!

در کشور مکزیک روزانه ۵۰۰ کودک بر اثر سوء تغذیه جان می سپارند. "مرکز جمعیت دفاع از حقوق کودک" در مکزیک به مناسبت روز جهانی کودک بیانیه ای را انتشار داده است که در آن ارقام هولناکی به چشم می خورد. طبق این ارقام در این کشور ۹۰٪ کودکان زیر پنج سال از عدم تغذیه کافی رنج می برند.

همچنین آمده است که در بین سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ تنها در این کشور آمریکای مرکزی حدود یک میلیون کودک در اثر گرسنگی جان باخته اند.

غول بیمار است، بیکاری در آمریکا

بر اساس گزارشی که وزارت کار ایالات متحده آمریکا منتشر کرده است، آمار بیکاری در این کشور طی شش ماه اول سال میلادی به بیشترین تعداد خود از سال ۱۹۸۲ بدین سو رسیده است.

تعداد بیکارانی که ظرف این مدت توسط این وزارت خانه به ثبت رسیده اند رقم ۹/۵ میلیون نفر را شامل می شود. این مقدار ۷/۵ درصد جمعیت شاغل آمریکا را تشکیل می دهد. هر چند که کارشناسان اقتصادی "گزارش" موجود را بزرگ شده می دانند و معتقد هستند که آمار بیکاری عیان و پنهان در این کشور خیلی بیشتر از این مقدار می باشد.

کارشناسان اقتصادی در آمریکا اعلام کرده اند، این نرخ بیکاری یکی دیگر از نشانه های بحران اقتصادی است که هم اکنون ایالات متحده آمریکا در آن بسر می برد.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 381

August 4 , 1992

ADDRESSE: Postfach 100644

1000 Berlin 10

نامه مردم

بها : ۲۰ ریال